



روزبان ملاری؛

فرهنگیان بلوچ از فراموشی زبان بلوچه شکایت دارند

زبان بلوچی



۲۱ فبروری مصادف است با روز جهانی «زبان مادری». این نام‌گذاری در سال ۱۹۹۹ میلادی از سوی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) به هدف کمک به حفظ تنوع زبانی و فرهنگی در نقاط مختلف جهان انجام شده است. افغانستان کشوری است با اقوام متعدد و زبان‌های متنوع. هرچند فارسی و پشتو به‌عنوان زبان‌های رسمی افغانستان شناخته می‌شوند، اما شهروندان این کشور در ولایت‌های مختلف...

۵

بازداشت دو نظامی ارشد حکومت پیشین؛

جرم فریدآقا سیدخیلی و پرویز سیدخیلی چیست؟

۵



از کرسی ماموریت تا تکدی‌گری؛

عدم پرداخت حقوق،

بازنشسته‌گان رازمین گیر کرده‌است

۳

داکتران بدون مرکز به طالبان:

برای اخذ امتحان شورای طبی از دختران تاریخ جدیدی اعلام کنید



MEDECINS SANS FRONTIERES
DOCTORS WITHOUT BORDERS

۸صبح، کابل: سازمان داکتران بدون مرز گفته است که طالبان برای اخذ امتحان شورای طبی از دختران تاریخ جدیدی را اعلام کنند. سازمان داکتران بدون مرز روز دوشنبه، ۱ حوت، با نشر توییتی از طالبان خواسته است تا اجازه اخذ امتحان شورای طبی از دانشجویان دختر رشته‌های طبی را بدهند. این سازمان علاوه کرده که اجازه دسترسی زنان به تحصیلات متوسطه و عالی برای اطمینان از توجه به نیازهای پزشکی مردم در آینده حیاتی است. این سازمان می‌گوید که در حال حاضر در پر کردن پست‌های صحتی در مراکز خود با چالش مواجه است.

اوچا: برای ارایه کمک‌های بشردوستانه در سال ۲۰۲۳ به ۲.۵۹ میلیارد دالر نیاز است

۸صبح، کابل: دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد در افغانستان (اوچا) گفته است که برای ارایه کمک‌های بشردوستانه غذایی و کشاورزی به ۲۱.۲ میلیون تن در سال ۲۰۲۳، به ۲.۵۹ میلیارد دالر نیاز است. اوچا روز دوشنبه، ۱ حوت، با نشر توییتی این مطلب را نگاهشته است.

این نهاد علاوه کرده است که به دلیل درآمد پایین و قیمت بالای مواد غذایی، قدرت خرید خانواده‌ها در افغانستان پایین باقی مانده است. این در حالی است که پیش از این نهادهای کمک‌رسان و کشورهای جهان همواره از وضعیت وخیم بشری در افغانستان و ضرورت کمک به شهروندان این کشور هشدار داده‌اند.

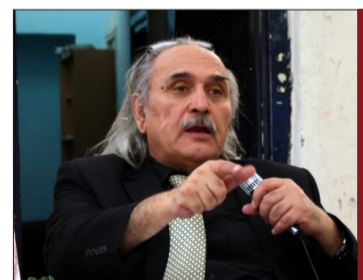
درگیری میان طالبان و نظامیان پاکستانی در گذرگاه تورخم



۶ صفحه

چرخ فلک و سرگردانی‌های خیام

خیام در یکی از رباعی‌هایش به تشریح جهان و جایگاه خورشید در آن پرداخته است. این رباعی خود گونه‌ای از یک مدال کیهانی است.



۷ صفحه

طالبان به رسانه‌های پروان: تمام محتوای نشراتی تان را بعد از بررسی آژانس باختر به نشر بسپارید

۸صبح، پروان: طالبان به مسوولان رسانه‌های محلی پروان دستور داده‌اند که محتوای نشرات‌شان را پس از این باید زیر نظر آژانس خبری باختر پخش کنند.

این دستور از سوی مفتی محمد ادریس انوری، معاون والی طالبان در پروان، روز دوشنبه، ۱ حوت، در نشست «هماهنگی میان مسوولان ادارات دولتی و رسانه‌ها» بر بنیاد مکتوب وزارت اطلاعات و فرهنگ این گروه داده شده است. آژانس خبری باختر در حال حاضر تحت کنترل طالبان فعالیت دارد. در ولایت پروان پیش از سقوط حکومت پیشین دست‌کم ۱۵ رسانه خصوصی و دولتی فعالیت داشت؛ اما پس از تسلط طالبان فعالیت بیشتر این رسانه‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی و وضع محدودیت‌ها متوقف شده است.



حکمتیار: اشتراک‌کننده‌گان نشست مونیخ به دنبال باز کردن جبهه جدید در افغانستان هستند

۸صبح، کابل: گلبالدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی، در واکنش به برگزاری نشست امنیتی مونیخ گفته که اشتراک‌کننده‌گان این نشست در صدد محکوم کردن رییس جمهور امریکا به‌خاطر خروج بی‌مشوره و بی‌تدبیر او از افغانستان و همچنان باز کردن جبهه جدید در این کشور هستند.

حکمتیار در یکی از حلقه‌های درسی‌اش که بخشی از آن یکشنبه‌شب، ۳۰ دلو، در یوتیوب تلویزیون برپا نشر شده گفته که خروج نیروهای غربی به رهبری امریکا شرم تاریخی و جبران‌ناپذیر نصیب کشورهای عضو ناتو کرده است.

به گفته حکمتیار، کشورهای عضو ناتو با مهندسی و مدیریت نشست مونیخ در صدد بهانه‌جویی برای باز کردن جای پای در افغانستان به‌خاطر جبران کردن شرم تاریخی‌شان هستند.

رهبر حزب اسلامی با تأکید بر این که افغانستان با ایجاد جبهه‌های تازه به رهبری امریکا و روسیه روبه‌رو است، گفته که دعوت نشدن مسکو، تهران و طالبان در این نشست پیامی برای آن‌ها دارد. حکمتیار از طالبان خواسته است که با توجه به وضعیت جاری تصمیم درست اتخاذ کنند.

گفتنی است که از دو روز به این‌سو کنفرانس امنیتی مونیخ با حضور نماینده‌گان و وزیران خارجه ده‌ها کشور با محوریت وضعیت افغانستان در آلمان در حال برگزاری است.





گرسنه‌گی و محرومیت معلول وضعیت سیاسی است

در روز دوم کنفرانس امنیتی مونیخ، در یکی از پنل‌ها برای یک ساعت مساله افغانستان بحث شد. از کل آن چه در آن بحث یک‌ساعته گذشت، تنها سخنان وزیر خارجه پاکستان شنیده شد و واکنش برانگیخت؛ اما کنفرانس مونیخ پیام مهم‌تر از موضع‌گیری بلاول بوتو نیز برای افغانستان داشت. ترکیب اشتراک‌کننده‌گان آن بحث، در واقع مهم‌ترین پیام بود. بیشتر طرف‌های دخیل و اثرگذار در مسایل افغانستان در آن بحث غایب بودند و یا نماینده‌گان کم‌صلاحیت داشتند. حکومت امریکا غایب بود و در عوض یک نماینده مجلس آن کشور با ادبیات کارشناسانه و انجویی سخنان خیرخواهانه گفت. از افغانستان به جای سیاست‌مداران مشهور، نماینده‌گان احزاب و طرف‌های درگیر، دو خانمی دعوت شده بودند که از هیچ‌یک از طرف‌های سیاسی نماینده‌گی نمی‌کردند. خانم حسنا جلیل سابقه کار در وزارت داخله را دارد و خانم محبوبه سراج فعال حقوق زن و صاحب انجو است. از اروپا، به جای مقام‌های کشورهای دخیل و تاثیرگذار در افغانستان، چون بریتانیا و آلمان و یا اتحادیه اروپا، وزیران خارجه بلژیک و اسپانیا صحبت کردند که بیشتر به کارشناس می‌ماندند تا سیاست‌مدار. تنها پاکستان و ملل متحد غایب نبودند. پاکستان یکی از بازیگران اصلی میدان افغانستان است و وزیر خارجه‌اش نیز با صدای بلند، موضع کشور خود را بیان کرد. او نشان داد که دولت پاکستان و در واقع اردوی آن کشور خلاف برخی تبصره‌هایی که گاه در رسانه‌ها مطرح می‌شود، از طالبان دل‌نکنده است و آن گروه را همچنان سرمایه استراتژیک و بلای مدیریت شدنی می‌داند. انکار مقاومت و تاکید بر این‌که واقعیت سیاسی امروز افغانستان طالبان و داعش‌اند، نشان می‌دهد که حاکمان پاکستان، افغانستان طالبانی را بر هر احتمال دیگر ترجیح می‌دهند و مطمئن‌اند که برای جلوگیری از تبدیل شدن طالبان به خطر جدی برای پاکستان، نفوذ و ابزار کافی در اختیار دارند. بعد از پاکستان، سازمان ملل متحد و انجوهایی که زیر چترش فعالیت می‌کنند، بازیگر مهم‌اند که در کنفرانس امنیتی مونیخ نماینده داشتند و از وضعیت ناگوار بشری، ضرورت افزایش مساعدت‌ها و برنامه‌های کمک‌رسانی صحبت کرد. از ترکیب سخنرانان و صحبت‌هایی که انجام شد، چشم‌پوشی از مشکلات اصلی افغانستان، به‌خصوص بحران بی‌دولتی و تعلیق سیاسی و تاکید بیش‌ازحد بر معلول‌هایی چون گرسنه‌گی و محرومیت زنان، آشکار بود.

تقلیل مشکل افغانستان به محرومیت زنان و معضله گرسنه‌گی (معلول‌های وضعیت سیاسی)، فریب و ریاکاری است. گرسنه‌گی را با ارسال کمک‌های بشری، تقویت یوناما و حمایت از انجوها نمی‌توان رفع کرد. محرومیت زنان را با برگزاری مجالس، دادن جایزه و فرصت سخنرانی به فعالان حقوق زن نمی‌توان کاهش داد. سازمان ملل، ایالات متحده و قدرت‌های اروپایی که در چهل‌وچند سال گذشته با پول، اسلحه، جهادی‌پروری و لشکرکشی کشور ما را به میدان تروریسم و بربریت بدل کردند، با اقدامات نمایشی و کمک‌های غذایی نمی‌توانند رفع مسوولیت کنند. از قراین پیدا است تا زمانی که خطر تروریسم و ناامنی از افغانستان به کشورهای منطقه و جهان سرریز نشود، نه سازمان ملل و نه دولتهایی که در برپادی افغانستان نقش داشتند، برای شکستن این بن‌بست دست‌به‌کار خواهند شد. از این‌رو اگر چشم به راه اقدام جهانی بمانیم، ممکن است این بن‌بست و تعلیق سال‌ها ادامه یابد. باید برای عبور از این برزخ طالبانی تدبیر بسنجیم. یکی از تدبیرها این است که به فرعیاتی چون کمک‌های بشردوستانه و گشودن مکاتب دخترانه نباید چنان بچسبیم که خطر ادامه حاکمیت طالبانی و بی‌دولتی فراموش شود.

حناربانې: تهدید تروریسم از افغانستان متوجه پاکستان است



۸صبح، پاکستان: وزیر دولت در امور خارجه پاکستان گفته است که خطر و تهدید تروریسم از مرزهای افغانستان متوجه پاکستان بوده و با وجود تعهد طالبان، هنوز این تهدیدها کنترل نشده است. حناربانې کهر، وزیر دولت در امور خارجه پاکستان، روز جمعه، ۲۸ دلو، در گفت‌وگو با دوپچه‌وله گفته است که افزایش ناامنی اخیر کشورش نتیجه مستقیم خروج نیروهای خارجی از افغانستان است. به باور او، ناتو جنگ ۲۰ ساله‌اش در افغانستان را ناتمام گذاشت و بدون برنامه‌ریزی از این کشور خارج شد که بر امنیت منطقه تاثیر گذاشته است. وی افزوده است که برای جلوگیری از تهدید تروریسم، اسلام‌آباد با طالبان در تماس است تا این تهدیدها کنترل شود.

کهر علاوه کرده است: «جهان تنها تهدیدهایی را می‌بیند که نتیجه مستقیم خروج ناتو از افغانستان است و ما قادر به کنترل آن نیستیم.» وی خاطرنشان کرده که پاکستان متعهد است تا از شهروندانش در برابر تهدید تروریسم و طالبان پاکستان حفاظت کند. این در حالی است که بلاول بوتو زرداری، وزیر امور خارجه پاکستان، در نشست امنیتی مونیخ گفت که مهم‌ترین مساله برای کشورش در جامعه جهانی، تهدید تروریستی احتمالی از افغانستان است که شامل سازمان‌هایی مانند تحریک طالبان پاکستان، ارتش آزادی‌بخش بلوچ، داعش و القاعده می‌شود.

۸صبح، غور: منابع محلی در غور می‌گویند که دو کودک در پی سرمای شدید در این ولایت جان باخته‌اند. منابع محلی در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که اجساد این دو کودک روز شنبه، ۲۹ دلو، پیدا شده است. به گفته منابع، این کودکان زمانی که از ساحه خرمرده به روستای خیرگاه خوله شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور، می‌رفتند در پی شدت سرما جان باخته‌اند. بربنیاد اطلاعات منابع، این کودکان بین ۷ تا ۹ سال سن داشتند. طالبان در غور نیز جان باختن این دو کودک در

سرمای شدید جان دو کودک را در غور گرفت



پی سرمای شدید را تأیید کرده‌اند. هفته گذشته نیز یک مرد به دلیل سرمای شدید در ولسوالی لعل‌وسر جنگل ولایت غور جان داد. غور از ولایت‌های سردسیر افغانستان است. باشندگان این ولایت همواره در فصل سرما با دشواری‌های زیاد روبه‌رو می‌شوند.

ادعای طالبان:

در ۱۱ ماه گذشته ۱۰۰ میلیارد افغانی عواید از گمرکات جمع‌آوری کرده‌ایم

مدعی شده که جمع‌آوری ۱۰۰ میلیارد افغانی عواید از گمرکات افغانستان در ۱۱ ماه پیشینه نداشته است.

وزارت مالیه طالبان گفته که این مقدار عواید در حالی از گمرکات جمع‌آوری شده که تعرفه گمرکی بر واردات مواد خوراکی تا ۶۸ درصد کاهش داده شده است.

طالبان در حالی مدعی افزایش عواید گمرکات در سال جاری هستند که بر بنیاد گزارش‌ها، این گروه به‌خاطر جمع‌آوری پول بیشتر مالیات گزافی را بر واردات و صادرات کالاهای تجارتي وضع کرده است.



۸صبح، کابل: وزارت مالیه گروه طالبان خبر داده است که در ۱۱ ماه سال جاری، ۱۰۰ میلیارد افغانی عواید از گمرکات افغانستان جمع‌آوری شده است. این وزارت روز دوشنبه، ۱ حوت، در خبرنامه‌ای

بازداشتهای خودسر؛

عفو بین‌الملل: طالبان دور جدیدی از نقض حقوق بشر را آغاز کرده‌اند

پایان دهند. این در حالی است که در هفته‌های اخیر موجی دیگر از بازداشتهای خودسرانه توسط طالبان به راه افتاده است. این گروه در روزهای اخیر شماری از منتقدان ممنوعیت آموزش، تحصیل و کار دختران و زنان را از ولایت‌های کابل و تخار بازداشت کرده است. در آخرین مورد طالبان سه تن را به ظن همکاری با جبهه مقاومت ملی و داشتن اسلحه از ولایت پنجشیر بازداشت کرده‌اند.

۸صبح، کابل: سازمان عفو بین‌الملل می‌گوید که طالبان دور جدیدی از نقض حقوق بشر را با بازداشت غیرقانونی و آزاروآذیت غیرنظامیان آغاز کرده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل روز دوشنبه، ۱ حوت، با نشر توییتی نگاشته است که گزارش‌هایی از ضرب‌وشتم غیرنظامیان در جریان بازداشتهای وجود دارد. این نهاد از شهروندان کشورها خواسته است تا از طالبان بخواهند که به نقض فاحش حقوق بشری

چین ممکن است در ۲۰۲۳ دومین شریک تجاری طالبان شود

۸صبح، کابل: رسانه‌های هندی گزارش داده‌اند که ممکن است چین در سال ۲۰۲۳ پس از پاکستان دومین شریک تجاری طالبان شود.

مجله دنیای تجارت روز دوشنبه، ۱ حوت، در مقاله‌ای روابط تجاری طالبان با چین را در سال ۲۰۲۲ به بررسی گرفته است.

براساس معلومات گمرک چین، واردات این کشور از افغانستان در سال ۲۰۲۲ به ۹۰.۹ میلیون دالر و صادرات آن به ۵۹ میلیون دالر می‌رسید.

براساس اطلاعات مجله دنیای تجارت، از دسامبر سال ۲۰۲۱ تا زمان مشابه در سال ۲۰۲۲، صادرات چین به افغانستان زیر تسلط طالبان ۵۴ درصد افزایش داشته است.

یافته‌های این مجله نشان می‌دهد که عمده‌ترین اقلام صادراتی از افغانستان به چین شامل آجیل، موی حیوانات، سنگ‌های نیمه‌قیمتی، میوه‌های خشک و محصولات سبزیجات بوده و واردات عمده از چین نیز شامل رشته‌های مصنوعی، پارچه‌های بافته شده نخی، تاپره‌های لاستیکی و کالاهای ناشناخته می‌شده است.

در حال حاضر پاکستان با ۱ اعشاریه ۵۱۳ میلیارد دالر جایگاه نخست و هند با ۵۰۰ و ۴۵ میلیون دالر تجارت دوجانبه با طالبان، جایگاه دوم را در میان شرکای تجاری افغانستان دارند.



کمیسیون حقوق بشر:

حمایت سیاسی از زنان افغانستان ضروری است

۸صبح، کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در واکنش به بیانیه وزیران خارجه زن در نشست امنیتی مونیخ، گفته است که حمایت سیاسی از زنان افغانستان در این برهه حساس تاریخی برای احیای آزادی‌های اساسی و بنیادی زنان، ضروری است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان روز دوشنبه، ۱ حوت، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که اعلامیه وزیران خارجه زن اهمیت بالایی سیاسی دارد و اراده دادخواهانه دولتهای‌شان را برای رفع تبعیض و آپارتاید جنسیتی در افغانستان به نمایش می‌گذارد.

این کمیسیون سایر دولت‌ها را نیز به حمایت و همگرایی بیشتر با زنان افغانستان فرا خوانده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر از نهادهای مدنی، رسانه‌ای و فعالان حقوق بشر نیز خواسته است تا در حمایت از این بیانیه ارزش‌محور و در هم‌صدایی با زنان افغانستان، منسجم شوند. گفتنی است که وزیران خارجه ۱۰ کشور که همه‌شان زن هستند، در نشست امنیتی مونیخ با نشر اعلامیه‌ای، محدودیت‌های وضع‌شده از سوی طالبان بر زنان در افغانستان را محکوم کرده و خواستار بازگشت زنان به جامعه به‌ویژه به کار در موسسه‌های داخلی و خارجی مدرسان شده‌اند.



عدم پرداخت حقوق، بازنشسته‌گان را زمین‌گیر کرده است



وزارت مالیه طالبان گفته است که در حال حاضر ۱۵۰ هزار مامور متقاعد در این وزارت ثبت‌اند که از این میان ۱۰ هزار و ۵۸۶ تن آنان را زنان تشکیل می‌دهند. به گفته این وزارت، طرح پرداخت حقوق بازنشسته‌گان از سوی کابینه این گروه نیز تصویب و به قندهار برای تایید رهبر طالبان فرستاده شده است؛ اما تاکنون روشن نیست که رهبر این گروه چه زمانی دستور پرداخت یا عدم پرداخت معاش متقاعدان را صادر خواهد کرد.



امین کاوه

کارمندی که یک عمر عرق ریخته و اندوخته‌ها و دانش‌شان را برای بهبود عرصه حکومت‌داری خوب، توسعه زیربناها و دفاع از تمامیت ارضی و حراست از وطن به کار بسته‌اند، اکنون نفس‌های‌شان از شدت گرسنگی بند می‌ماند و اشک‌های‌شان برای لقمه‌ای نان در مظهر عام می‌ریزد. حدود ۱۸ ماه از سقوط حکومت به دست طالبان می‌گذرد. در این مدت هیچ متقاعدی قادر به دریافت حقوق بازنشسته‌گی خود نشده است. صدای گریه‌ها و آندوه ناله‌های متقاعدان در این مدت همیشه طنین‌انداز بوده است. دیدن صحنه‌های به خاک افتیدن ماموران متقاعد و شنیدن بغض‌های دردناک آنان، قلب هر انسانی را به درد می‌آورد. بازنشسته‌گان پس از برگشت طالبان به قدرت، بارها به ریاست عمومی خزینه تقاعد برای دریافت حقوق خود مراجعه کرده‌اند، اما همیشه به فرادهای نامعلوم رجعت داده شده‌اند. به‌تازه‌گی آنان در مقابل دفتر نماینده‌گی سازمان ملل متحد در کابل دست به اعتراض زده و از این سازمان خواسته‌اند که برای‌شان کمک کند تا از شر زمستان سرد و جان‌سوز نجات یابند. دست‌کم دو سال می‌شود که حدود ۱۵۰ هزار مامور بازنشسته از دریافت حقوق خود محروم شده و برخی از آنان مجبور شده‌اند دست به تکدی‌گری دراز کنند.

بازنشسته‌گان در تداوم دادخواهی برای دریافت حقوق بازنشسته‌گی خود روز شنبه، ۳۰ دلو، در مقابل دفتر نماینده‌گی سازمان ملل در کابل دست به راه‌پیمایی زدند. در نوارهای تصویری که از آنان در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده، بازنشسته‌گان خواستار پرداخت حقوق تقاعدی‌شان می‌باشند و می‌گویند که از سه سال به این‌سو نتوانه نگرفته‌اند.

یکی از این معترضان در صحبت با ۸ صبح می‌گوید: «دو سال است که این‌ها [طالبان] یک مکتوب را امضا نمی‌کنند. هر روز بهانه‌گیری دارند، امروز به فردا می‌کنند. دو سال را به امروز و فردا تیر کرده‌اند. ما غریب هستیم، پیسه نان نداریم، زمستان سرد و سرما جان‌سوز است. طالب‌ها طوری برخورد می‌کنند که گویا در حق ما احسان کرده باشند. خیرات نمی‌دهند، حق ما را بدهند. ما گدایی نمی‌کنیم از آن‌ها. به خدا از این روزگار سگی که ما داریم، در گورستان باشیم خوب‌تر است.»

محمداسحاق (نام مستعار) پنج سال قبل تقاعد کرده است. او به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که بعد از تسلط طالبان بر افغانستان، معاش تقاعدی خود را نگرفته است. این مامور متقاعد می‌افزاید: «معاش تقاعدی، امتیازی و خیراتی نیست، از بودجه دولت هم نیست؛ از معاش ماهانه مامور وضع شده و حقیقت است که باید پرداخته شود. عدالت و انصاف حکم می‌کند که باید معاش متقاعد داده شود.»

اسحاق علاوه می‌کند: «مامور متقاعد در آسمان لحاف و در زمین تشک ندارد. جز پول تقاعد دیگر هیچ چیزی ندارد. وقتی به تقاعد می‌رسد، پیر و ضعیف می‌شود، چیزی برای خوردن و ادامه زنده‌گی ندارد، درمانده و بی‌روزگار است. خداوند به موسفید و پیر ترجم دارد، اما طالبان احساس انسانی و مسلمانی ندارند که حق ماموران متقاعد را که هیچ چیزی در دست ندارند، بدهند. یک عمر زحمت کشیده‌ایم، تمام هستی را در خدمت‌گزاری به وطن سپری کرده‌ایم، صادقانه خدمت کرده‌ایم، یک پول به جز معاش حلال نگرفته‌ایم، ولی آخرش هم جز مصیبت و بدبختی چیز دیگری نصیب ما نشده است. اگر رشوت می‌گرفتیم یا غصب می‌کردیم، امروز روزگار بهتری می‌داشتیم.»

آصفه یکی از آموزگاران است که از ابتدای جوانی تا سقوط نظام جمهوریات با تباشیر و تخته زنده‌گی کرده

است. او که عمری را برای آموزش و تربیت فرزندان کشور سپری کرده است، می‌گوید: «در آخرهای جمهوریات تقاعد کردم. مکتوب تقاعدی‌ام به وزارت معارف رفته بود. تا هنوز اکرامیه خود را هم نگرفته بودم که حکومت سقوط کرد. چیزی کم دو سال می‌شود که هیچ رد و درکش معلوم نیست. یک معلم متقاعد جز معاش تقاعدی چه دارد؟ مثل من هزاران معلم دیگری که تقاعد کرده‌اند، اکرامیه نگرفته‌اند و تقاعدشان داده نشده است.»

شمسیه (نام مستعار) همسر یکی از افسران وزارت دفاع پیشین است. او در صحبت با ۸ صبح می‌گوید که شوهرش سه سال پیش وفات کرده است. او روند طی مراحل اسناد تقاعدی شوهرش را به ریاست متقاعدین رسانده، اما پس از سقوط جمهوریات دیگر از سرنوشتش معلوم نیست و خودش نیز بیکار می‌باشد.

شمسیه می‌گوید: «شوهرم بریدمل مفرزه هوایی در گردیز اجرای وظیفه می‌کرد. ۱۰ سال سابقه خدمت در نظام را داشت. وقتی وفات کرد، قوماندان‌شان گفته بود که باید برای کارهای تقاعدی‌اش اقدام کنیم. من وثیقه و وکالت خط و «کننگ» فوتی‌شان را تهیه نمودم، ۱۰ تا ۱۱ ماه را در برگرفت. از پیژنتون خلاصی شد، آمد ریاست تقاعد. از آن‌جا هم طی مراحل شد و برایم کارت درست می‌شد که سقوط ولایات پشت سر هم اوضاع را پیچیده کرد و ناگهان کابل هم سقوط کرد. بعد از سقوط از ترس، حدود سه ماه مراجعه نکردیم، بعد از آن یک بار مراجعه کردم، گفتند شاید نوروژ شروع شود.»

محمد شکران، مامور متقاعد دیگری است. او ۶۵ سال سن دارد. آقای شکران در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید دست‌کم از دو سال به این‌سو حقوق بازنشسته‌گی خود را دریافت نکرده و با مشکلات شدید اقتصادی مواجه شده است. این مامور متقاعد می‌افزاید: «ما مردم به سیاست هم دست نداشتیم، تحت هر شرایط و زیر سایه هر رژیم به وطن خدمت کردیم. زیاد مشکل اقتصادی دارم. کفالت شش تن از اعضای خانواده را دارم. نمی‌دانم این زمستان سرد و پر از برف و قیمتی را چگونه سپری کنیم. خوراک مامور و غریب، کچالو و پیاز بود که قیمت آن‌ها از قیمت گوشت بلندتر شده است. توانایی خرید یک کیلو پیاز را نداریم. حیران مانده‌ایم چه کنیم. به کی شکایت کنیم و اول‌تر از چه بنالیم؟»

این مأمور متقاعد اضافه می‌کند: «بارها به ریاست متقاعدین برای دریافت حقوق خویش مراجعه کرده‌ام، اما مسوولان وقت‌تلفی و وقت‌کشی می‌کنند و هیچ اقدامی انجام ندادند. به نظر می‌رسد که این‌ها [طالبان] با مامورین متقاعد به دیده دشمن می‌بینند. وقتی صحبت می‌کنند، گویا بالای ما احسان کرده باشند که زنده می‌گردیم، او برادر! ما یک عمر به این وطن خدمت کردیم، یا معلم بودیم یا مامور بودیم، آدم نکشتم. از شما خواهش می‌کنیم صدای ما را به گوش ملل متحد برسانید.»

جنیدالله بلخی (نام مستعار) از ماموران متقاعدی است که به قول خودش عمری را در بهبود عرضه خدمات زراعتی گذرانده است. آقای بلخی می‌گوید که هویتش نباید افشا شود، چون هنوز امیدوار است که دست غیبی به کمک ماموران متقاعد برسد و آن زمان کارمندان بخش‌های مختلف دست و زبان دراز کنند و به بهانه‌های مختلف بار دیگر از حقوق‌شان



پس از تسلط طالبان کارمندان متقاعد بارها در کابل و شماری از ولایت‌ها دست به اعتراض زده و خواستار پرداخت حقوق بازنشسته‌گی‌شان شده‌اند، اما طالبان پیوسته در پاسخ اعتراض‌ها و درخواست‌های آنان گفته‌اند که مکتوبی را برای اخذ دستور پرداخت حقوق متقاعدین به ملا هبت‌الله آخوندزاده فرستاده‌اند. هنوز روشن نیست که رهبر طالبان در این زمینه چه تصمیم گرفته است و ماموران متقاعد چشم به قندهار دوخته‌اند و برخی از آنان از شدت فقر و گرسنگی و سردی زمستان دست به گدایی نیز زده‌اند.

محروم سازند. او در صحبت با ۸ صبح می‌گوید: «اندک چیزهای خوب [وسایل خانه] در خانه داشتیم، بردم نیمه بیع و نصفه فروختم. یک چند سیر زغال خریدم که از یخی نمیریم. چه کنیم، روزگار کسی که در این وطن خدمت می‌کند، همین است. به هر حال خوش هستیم که دزدی نکردیم، دست ما به خون کسی آغشته نیست. طالب‌ها اگر می‌خواهند حکومت کنند، حکومت‌داری به برخورد گزینشی نمی‌شود. مامورین متقاعد حق دارند، باید حق‌شان داده شود.»

در همین حال نوارهای تصویری از متقاعدین در شبکه‌های اجتماعی نیز منتشر شده که آنان از وضعیت بد روزگار و مشکلات اقتصادی شکایت دارند. مشکلاتی که گلوی این بازنشسته‌گان را پر از بغض و چشم‌های‌شان را مملو از اشک ساخته است. نوار تصویری یکی از این بازنشسته‌گان در رسانه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود که نشان می‌دهد این مرد به قول خودش «خیرات جمع» می‌کند. یکی از یوتیوبران از او می‌پرسد: «این‌جا چه می‌کنی؟ می‌گویی از وقتی که ملاها [طالبان] آمده، خیرات جمع می‌کنم. در کوته‌سنگی زنده‌گی می‌کنم. در وزارت تجارت پیاده آکارکن خدماتی‌ا بودم، سالانه ۲۷ هزار تقاعدی می‌گرفتم، خُب آرد و روغن می‌شد.» همچنان نوار تصویری مرد دیگری نیز منتشر شده که به گفته خودش یکی از افسران متقاعد است. در تصویر دیده می‌شود که دست‌های این مرد خون‌آلود است. اشک دور چشم‌هایش حلقه زده است و با صدای پر از بغض و آندوه می‌گوید: «منصب‌دار متقاعد هستم. ۳۰ سال خدمت کردم، خیانت نکردم. اگر خیانت می‌کردم، امروز این پخل‌ها را جمع نمی‌کردم. همین مردم که نو آمده، طالب‌ها [معاش تقاعدی را نپرداخته‌اند]. بیست افغانی پیدا می‌کنم، می‌روم ریاست خزینه تقاعد، امروز به فردا می‌کنند. معلوم نیست که چه می‌کنند.»

یک نوار تصویری دیگر از اعتراض‌های بازنشسته‌گان در رسانه‌ها به‌صورت گسترده نشر و پخش شده که نشان می‌دهد یک مرد متقاعد اشک می‌ریزد. او در هنگام اشک ریختن، نفسش بند می‌شود و بعد با دیده گریه‌آلود می‌گوید: «مزدور کاری می‌کنم. گاهی می‌روم - هیچ فامیل خبر نمی‌شود - گدایی می‌کنم. ۱۰ روپیه ۲۰ روپیه. تکلیف داریم.» از او به‌عنوان محمدداوود نام می‌برند که حدود ۳۰ سال در شهرداری کابل راننده بوده است. محمدداوود که در هنگام صحبت اشک‌هایش سرازیر می‌شود و نفسش بند می‌افتد، از طالبان می‌خواهد که حقوق بازنشسته‌گی‌اش را بپردازند. پس از تسلط طالبان کارمندان متقاعد بارها در کابل و شماری از ولایت‌ها دست به اعتراض زده و خواستار پرداخت حقوق بازنشسته‌گی‌شان شده‌اند، اما طالبان پیوسته در پاسخ اعتراض‌ها و درخواست‌های آنان گفته‌اند که مکتوبی را برای اخذ دستور پرداخت حقوق متقاعدین به ملا هبت‌الله آخوندزاده فرستاده‌اند. هنوز روشن نیست که رهبر طالبان در این زمینه چه تصمیم گرفته است و ماموران متقاعد چشم به قندهار دوخته‌اند و برخی از آنان از شدت فقر و گرسنگی و سردی زمستان دست به گدایی نیز زده‌اند. به گفته آنان، متقاعدان پیر شده‌اند، دردمند هستند، تکلیف دارند و شماری از آنان هنوز هم نان‌آور خانواده‌های‌شان هستند. این بازنشسته‌گان تاکید می‌ورزند که از طالبان خیرات نمی‌خواهند و این گروه باید حق‌شان را که از معاش خودشان در خزینه تقاعد ذخیره شده است، بپردازد.

پیش از این وزارت مالیه طالبان بارها گفته است که طرح پرداخت حقوق بازنشسته‌گان آماده و برای اخذ دستور به قندهار فرستاده شده و منتظر دستور ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه می‌باشند. این وزارت همچنان گفته است که چهار میلیارد افغانی را برای پرداخت حقوق بازنشسته‌گان در بودجه در نظر گرفته است و در صورتی که روند پرداخت حقوق بازنشسته‌گان آغاز شود، متقاعدان از طریق بانک‌ها حقوق‌شان را دریافت خواهند کرد.

وزارت مالیه طالبان گفته است که در حال حاضر ۱۵۰ هزار مامور متقاعد در این وزارت ثبت‌اند که از این میان ۱۰ هزار و ۵۸۶ تن آنان را زنان تشکیل می‌دهند. به گفته این وزارت، طرح پرداخت حقوق بازنشسته‌گان از سوی کابینه این گروه نیز تصویب و به قندهار برای تایید رهبر طالبان فرستاده شده است؛ اما تاکنون روشن نیست که رهبر این گروه چه زمانی دستور پرداخت یا عدم پرداخت معاش متقاعدان را صادر خواهد کرد تا چشم‌های دوخته‌شده به خزینه تقاعد کنده شوند و راه دیگری را برای ادامه زنده‌گی جست‌وجو کنند.

آشنای بانظام فدرال (۲)

تطبیق موفقانه نظام فدرالی در «شرایط مناسب» می‌تواند سبب شود تا همه واحدها و گروه‌های شامل در این نظام از حقوق، آزادی‌ها و امتیازات بشری/ فرهنگی مساوی و سازگار با احوال ویژه‌شان برخوردار شوند و نیروهای مشترک خود را در راه اعتلای خود و کشور مشترک خود سازمان بخشند. شکی نیست که زمینه‌ها و احتمال تحقق همکاری اجتماعی موثر میان گروه‌های غیرمتجانس بشری در نظام فدرالی به مراتب بالاتر از آن است که در نظام متمسلب و غیر قابل انعطاف واحد-مرکزی امکان‌پذیر خواهد بود.

نویسنده: دکتر محمد داود یار

ج) ضرورت نظام فدرالی

فدرالیسم یا نظام سیاسی فدرالیستی در حقیقت چهارچوب سیاسی-ملی است که برای هماهنگی با اوضاع متغیر جهان، تحقق حقوق و آرمان‌های شهروندی و اذعان به تنوع فرهنگی/بشری مردمانی که در جغرافیای واحد به سر می‌برند، طرح‌ریزی شده و مورد تطبیق قرار گرفته است. این نظام، در پی ایجاد زمینه‌ها و فضای سیاسی-اجتماعی است که تحقق اهداف کلیدی ذیل را امکان‌پذیر می‌سازند:

- ۱) تامین موثریت و سرعت عمل در روند تصمیم‌گیری‌های حکومت‌داری؛
- ۲) توسعه عرصه و شعاع مشارکت سیاسی/اجرایی در امور دولت؛
- ۳) ایجاد ارتباط نزدیک میان راهکارهای دولت و نیازهای محلی/مردمی؛
- ۴) حفظ و تحکیم همبستگی و یک‌پارچه‌گی ملی از طریق ایجاد اجماع میان طیف‌های هرچه بیشتر نفوس (تطبیق اصل وحدت در کثرت)؛
- ۵) رشد و پالایش زمینه‌های فرهنگی سازگار با خواسته‌ها و شرایط منطقه‌ای/محلی؛
- ۶) امحای نابرابری‌های اقتصادی منطقه‌ای از طریق انتقال منابع مالی از مرکز به واحدهای نادر و عقب‌افتاده فدرالی.

تطبیق موفقانه نظام فدرالی در «شرایط مناسب» می‌تواند سبب شود تا همه واحدها و گروه‌های شامل در این نظام از حقوق، آزادی‌ها و امتیازات بشری/ فرهنگی مساوی و سازگار با احوال ویژه‌شان برخوردار شوند و نیروهای مشترک خود را در راه اعتلای خود و کشور مشترک خود سازمان بخشند. شکی نیست که زمینه‌ها و احتمال تحقق همکاری اجتماعی موثر میان گروه‌های غیرمتجانس بشری در نظام فدرالی به مراتب بالاتر از آن است که در نظام متمسلب و غیر قابل انعطاف واحد-مرکزی امکان‌پذیر خواهد بود.

هدف اصلی نظام فدرالی تامین زمینه‌هایی است که مشارکت مساوی و عادلانه اقشار و گروه‌های مختلف مردمی/فرهنگی را در امر احراز و اعمال قدرت سیاسی امکان‌پذیر می‌سازند. این نظام بر نسخه سیاسی واحدی بنا نیافته و از نظر توزیع قدرت، ساختار، حدود خودمختاری و سازمان‌دهی صلاحیت‌ها، از انعطاف‌پذیری قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. به بیان دیگر، نظام فدرالی را می‌توان با اوضاع و احوال ذهنی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی گروه‌های بشری شامل در یک سرزمین و نیازهای سیاسی/فرهنگی ویژه آن‌ها عیار ساخت. در این نظام، که قانون اساسی فدرالی زیربنای آن را تشکیل داده و بر اصل مشارکت عملی همه واحدهای اجتماعی در قدرت استوار است، کلیه اقشار شامل در قلمرو سیاسی واحد، خود را برخوردار از حقوق و سرنوشت یک‌سان و مشترک می‌دانند و منفعت خود و گروه مربوط خود را جزو جدانپذیر منفعت عمومی-ملی می‌پندارند. در نظام فدرالی، مجموعه یا تجمع منافع اقشار و گروه‌های اجتماعی، «منافع ملی» قلمرو سیاسی واحد را تشکیل می‌دهند. در نظام فدرالی، وحدت ملی نه از طریق اعمال زور، یک‌سان‌سازی فرهنگی، غصب و یا ارتشای قدرت سیاسی، بلکه از راه هم‌پذیری اجتماعی، رعایت اصل محدودیت‌های صلاحیت حکومت‌داری، تقسیم معقول قدرت سیاسی، اشتراک در تصمیم‌گیری و اذعان و احترام به تنوع و ویژه‌گی‌های بشری مردم امکان‌پذیر می‌شود. در نظام فدرالی واقعی، وحدت ملی و تنوع مردمی/فرهنگی با هم در تضاد و تناقض قرار ندارند، بلکه بر بنای اصل هم‌پذیری، در جهت تقویت و تکمیل هم‌دیگر سوق داده می‌شوند. از این رو می‌توان گفت که وحدت ملی و اقتدار ملی در نظام فدرالی بر بنای تحدید و تقسیم قدرت، تنوع بشری و امتزاج این عناصر



فدرالیسم یا نظام سیاسی فدرالیستی در حقیقت چهارچوب

سیاسی-ملی است که برای هماهنگی با اوضاع متغیر جهان، تحقق حقوق و آرمان‌های شهروندی و اذعان به تنوع فرهنگی/بشری مردمانی که در جغرافیای واحد به سر می‌برند، طرح‌ریزی شده و مورد تطبیق قرار گرفته است. این نظام، در پی ایجاد زمینه‌ها و فضای سیاسی-اجتماعی است که تحقق اهداف کلیدی ذیل را امکان‌پذیر می‌سازند.

در ماتریس قدرت سیاسی استوار می‌شود. عامل عمده و اساسی‌ای که ایجاد و تشکیل نظام فدرالی را در عمل ممکن می‌سازد، همانا آماده‌گی و توانایی‌های نخبه‌گانی است که رهبری سیاسی و ذهنی جامعه را در دست دارند. موفقیت نظام فدرالی در امر برآوردن اهدافی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، بسته‌گی بدین دارد که قانون اساسی و مجریان آن تا چه حد به اصل سلطه مردم و موثریت مسلکی حکومت‌داری متعهد و وفادارند.

د) موانع و مزایای نظام فدرالی

ناگفته پیداست که تطبیق نظام فدرالی در عمل، مناسبات منفعتی حاکم بر جامعه را دست‌خوش تحول می‌سازد؛ زیرا تطبیق این نظام، خواه ناخواه، با بی‌جا شدن‌ها و جابه‌جایی‌های قدرت و صلاحیت‌ها (توزیع مجدد منابع قدرت) همراه خواهد بود. از این‌جا است که طرح و تطبیق این نظام، به‌ویژه در مراحل گفت‌وگو و طرح‌ریزی، با مقاومت‌ها، اشتهاها، ضدونقیض و مخالفت‌های زیاد و دوام‌دار برخورد می‌کند.

حامیان این نظام می‌گویند که برپایی نظام فدرالی به معنای اصیل و واقعی آن، منافع گروه‌هایی را که در نظام واحد مرکزی از قدرت و امتیازات خاص سیاسی/اقتصادی برخوردار بوده‌اند، به مخاطره می‌اندازد. در عین حال، گروه‌هایی که در نظام واحد مرکزی از شرکت در قدرت سیاسی محروم بوده‌اند، در نظام

در این شکی نیست که در شمار شیوه‌های حکومت‌داری امروز جهان، دموکراسی نظامی است که از نگاه تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی از برجسته‌گی بی‌نظیر و مزایای سیاسی متعددی برخوردار است. معذالک، این نظام بدو در دولت‌شهرهای کوچکی نظیر دولت‌شهرهای یونان باستان ظهور کرده و بر رأی و سهم‌گیری فعال و مستقیم شهروندان استوار بوده است. نظام سیاسی‌ای که بر سهم‌گیری فعال و مستقیم شهروندان در پروسه حکومت‌داری بنا می‌یابد، در علم سیاست امروز به نام دموکراسی مستقیم (direct democracy) یاد می‌شود (فدراسیون سویس یگانه کشوری است که برخی از خصوصیات دموکراسی مستقیم را حفظ کرده است). در دموکراسی مستقیم، هر شهروند و فرد آزاد جامعه دارای یک رأی بوده و عملاً (براساس قرعه) در امور تقنینی، قضایی و اجرایی دولت شرکت می‌کرده است. نظام‌های دموکراتیکی که در دولت-ملت‌های واحد-مرکزی امروز حکم‌فرمایند، بنا بر بزرگی و پراکنده‌گی نفوس، بر اصل نماینده‌گی سیاسی (political representation) استوار بوده و همواره با خطر و احتمال سوءاستفاده و انحراف از اراده و خواست مردم مواجه‌اند.^۲ در نظام‌های دموکراتیک مرکزی، نماینده‌گانی که توسط مردم انتخاب شده و به نمایندگی از آن‌ها حکم می‌رانند، در بسی موارد خواسته‌ها و منافع مردم را قربانی اهداف و منافع خود و حامیان خود می‌سازند. فدرالیسم، سعی می‌ورزد تا از طریق تفویض صلاحیت‌ها از مرکز به حکومت‌های ایالتی/محلی و نزدیک ساختن راهکارها و نظارت‌های حکومت‌داری به مردمان محل، تأثیرات معضله‌مالک-نماینده‌گی را تا حد امکان کاهش داده و انعکاس مستقیم اراده مردم را در تصمیم حکومت‌داری امکان‌پذیر سازد.

در شمار مزایای نظام فدرالی باید گفته شود که این نظام هم به استبداد اکثریت (tyranny of majority) و هم به استبداد اقلیت (tyranny of minority) که خواص احتمالی نظام دموکراسی‌اند، نقطه پایان گذاشته و امتیازات و انحصارات هر دو را به نفع توزیع و توسعه امتیازات و صلاحیت‌ها در بین مردم از میان برمی‌دارد.^۳ بدین علت است که در عمل، نه‌تنها اکثریت‌های حاکم بر سیاست به مخالفت با فدرالیسم صدا بلند می‌کنند، بلکه اقلیت‌های شریک در قدرت نیز گاهی با ایجاد این نظام مخالفت می‌ورزند. حقیقت این است که نظام فدرالی عملاً قدمی فراتر از دموکراسی مبتنی بر نماینده‌گی (representative democracy) برمی‌دارد و فرآیند سیاست و سیاست‌گذاری را به دموکراسی مستقیم (direct democracy) که شکل ایده‌آل دموکراسی پنداشته می‌شود، نزدیک‌تر می‌سازد. با تقسیم قدرت میان مرکز و واحدهای مشموله (ایالات، ولایات و محلات)، فدرالیسم از شدت معضله اکثریت و اقلیت سیاسی که نظام دموکراسی همواره با آن درگیر است، می‌کاهد و عرصه رقابت‌های سیاسی را از مرکز به سرتاسر قلمرو سیاسی که مردم در آن زنده‌گی می‌کنند و از سیاست‌های دولت متأثر می‌شوند، وسعت می‌بخشد. در نظام فدرالی، قدرت اجرایی/تقنینی حزب حاکم در پایتخت توسط قدرت و صلاحیت‌های احزاب و قدرت‌های حاکم در ایالات/ولایات تحدید می‌شود و بدین منوال از خودسری‌ها، سیاست‌های حذف، تکروری‌ها و تمامیت‌خواهی‌های اکثریت یا اقلیت‌های حاکم در مرکز جلوگیری به عمل می‌آید. لذا می‌توان مدعی شد که فدرالیسم قدرت سیاسی را از حدود تنگ و تاریک مرزبندی‌های اکثریت و اقلیت، که اساس دموکراسی فورمولیته و مبتنی بر نماینده‌گی را تشکیل می‌دهد، بیرون کشیده و صلاحیت‌های سیاست و سیاست‌گذاری را مستقیماً به واحدهای مشموله فدرالی و از طریق آن‌ها به مردم انتقال می‌دهد.

فدرالی توانایی مشارکت را کسب می‌کنند. اکثریت یا اقلیتی که در نظام واحد مرکزی با استفاده از زور (و یا انتخابات) به سکان قدرت دست یافته است، در نظام فدرالی مجبور خواهد بود به تقسیم قدرت تن دهد و برخی از صلاحیت‌ها و امتیازات خود را به مراجع قدرت ایالتی یا محلی انتقال دهد. همچنان، اقلیتی که در نظام واحد مرکزی با استفاده از تخویف و زور نظامی و یا در ایتلاف با سایر اقلیت‌ها، به قدرت رسیده است، در صورت استقرار نظام فدرالی، قدرت سیاسی انحصاری خود را از دست می‌دهد. پس طبیعی است که استقرار نظام فدرالی در عمل با مخالفت‌ها و مقاومت‌های آنانی که این نظام را خطری برای استمرار منافع خود می‌پندارند، برخورد خواهد کرد.

مقاومت‌ها و مخالفت‌های مخالفان نظام فدرالی را می‌توان تا حدود زیادی از طریق استقرار نظامی کاهش داد که در آن اصول دموکراسی و اصول فدرالی با هم عجین شوند و متمم هم‌دیگر گردند. در حقیقت، موفقیت در امر استقرار نظام فدرالی به وجود دموکراسی وابسته است و کامیابی نظام دموکراتیک در عمل تا حد قابل ملاحظه‌ای با موجودیت سالم نظام فدرالی ارتباط دارد. نظام فدرالی بدون دموکراسی و نظام دموکراتیک بدون فدرالیسم هر دو با معضل عدم ثبات و مقاومت اقشار اجتماعی دست به گریبان خواهند بود.

فرهنگیان بلوچ از فراموشی زبان بلوچی شکایت دارند

فرهنگیان بلوچ در حالی از بی توجهی حکومت‌ها به زبان خود شکایت دارند که چندی پیش منابع در ولایت نیمروز به روزنامه ۸صبح تایید کردند که طالبان در یک اقدام بی‌پیشینه تابلوهای شماری از ادارهای محلی این ولایت که به زبان بلوچی نوشته شده بود را تغییر داده‌اند.

۸صبح، نیمروز

این فعال فرهنگی قوم بلوچ خاطر نشان می‌سازد که نفوس بلوچ‌ها در حوزه جنوب و غرب کشور به‌گونه قابل ملاحظه‌ای بیشتر از اقوام دیگر است، اما هنوز هم فرصت آموزش زبان و توزیع کتاب‌های درسی به زبان بلوچی در این ولایت‌ها فراهم نشده است.

در همین حال میرعلی بلوچ، یکی دیگر از فعالان بلوچ در ولایت نیمروز، می‌گوید که زبان بلوچی به باد فراموشی سپرده شده و سیاست‌های تبعیض‌آمیز حتی سبب شده که بلوچ‌ها در سرزمین مادری خود نیز شرایط آموزش و تدریس زبان خود را نداشته باشند. او اضافه می‌کند: «کتاب‌های مکتب تا صنف نهم از سوی وزارت معارف به زبان بلوچی چاپ شد، اما وقتی به ریاست معارف نیمروز رسید، جلو توزیع آن به شاگردان مکتب به دلیل اختلاف‌ها و سیاست‌های قومی گرفته شد.»

این فعال بلوچ می‌افزاید که بی‌توجهی به این زبان، سبب شده که بیشتر بلوچ‌ها زبان مادری خود را فراموش کنند: «در دیگر ولایت‌ها مانند غور، بدخشان، هرات و فراه به دلیل این‌که مردم از زبان و آموزش زبان بلوچی دور بوده‌اند، زبان مادری خود را فراموش کرده‌اند.» میرعلی بلوچ اضافه می‌کند، هرچند باشندگان ولایت نیمروز به‌طور کامل با زبان بلوچی صحبت می‌کنند، اما نیاز است تا کتاب‌های بلوچی در مکتب این ولایت توزیع شود و کودکان بلوچ بتوانند به‌گونه ادبی این زبان را فرا بگیرند.

فرهنگیان بلوچ در حالی از بی‌توجهی حکومت‌ها به زبان خود شکایت دارند که چندی پیش منابع در ولایت نیمروز به روزنامه ۸صبح تایید کردند که طالبان در یک اقدام بی‌پیشینه تابلوهای شماری از ادارهای محلی این ولایت که به زبان بلوچی نوشته شده بود را تغییر داده‌اند.

پیشینه روز جهانی زبان مادری

در سال ۱۹۵۲ میلادی دانشجویان دانشگاه‌های مختلف شهر داکا پایتخت امروزی کشور بنگله‌دیش که در آن زمان پاکستان شرقی نامیده می‌شد و هنوز مستقل نشده بود، در راستای تلاش برای ملی کردن زبان بنگالی به‌عنوان دومین زبان پاکستان تظاهرات مسالمت‌آمیزی به راه انداختند. به دنبال آن حرکت دانشجویان، پولیس پاکستان بالای آنان تیراندازی کرد و عده‌ای از آنان را کشت. پس از استقلال بنگله‌دیش از پاکستان و به درخواست این کشور، برای اولین بار سازمان یونسکو در ۱۷ نوامبر سال ۱۹۹۹ میلادی روز ۲۱ فیبروری را به روز جهانی زبان مادری تخصیص داد. حالا از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون از این روز در بیشتر کشورهای گرمی داشت می‌شود.

۲۱ فیبروری مصادف است با روز جهانی «زبان مادری». این نام‌گذاری در سال ۱۹۹۹ میلادی از سوی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) به هدف کمک به حفظ تنوع زبانی و فرهنگی در نقاط مختلف جهان انجام شده است. افغانستان کشوری است با اقوام متعدد و زبان‌های متنوع. هرچند فارسی و پشتو به‌عنوان زبان‌های رسمی افغانستان شناخته می‌شوند، اما شهروندان این کشور در ولایت‌های مختلف به زبان‌های بلوچی، اوزبیک، پشه‌ای و زبان‌های دیگر نیز صحبت می‌کنند. امروز که در آستانه روز زبان مادری قرار داریم، فرهنگیان قوم بلوچ از فراموشی این زبان شکایت دارند و می‌گویند که بی‌توجهی به این زبان سبب شده که حتی دانشکده ادبیات بلوچی در ولایت قندهار تعطیل شود. به باور آنان، اختلاف‌ها و سیاست‌های نادرست دولت‌ها سبب شده که کتاب‌های بلوچی در مکتب ولایت نیمروز نیز چاپ و توزیع نشود. عبدالروف بلوچ (نام مستعار) یکی از فرهنگیان بلوچ، در آستانه روز زبان مادری به روزنامه ۸صبح می‌گوید که سیاست‌های نادرست و تبعیض‌آمیز سبب بی‌توجهی به زبان بلوچی شده و حتی در ولایت‌های بلوچ‌نشین نیز زبان بلوچی در مکتب تدریس نمی‌شود. آقای بلوچ اضافه می‌کند که تنها دانشکده ادبیات بلوچی در دانشگاه قندهار نیز تعطیل شده و چندین سال می‌شود که برای فعال شدن دوباره آن هیچ اقدامی صورت نگرفته است.



این فعال فرهنگی بلوچ که زبان مادری را هویت یک قوم عنوان می‌کند، علاوه می‌کند که فرهنگ‌ها با زبان زنده هستند و فراموشی یک زبان سبب فراموشی یک هویت می‌شود. او با انتقاد از سیاست‌های نادرست دولت‌ها و دولت‌مردان می‌گوید: «تنها در پوهنتون قندهار یک پوهنزی زبان و ادبیات بلوچی بود که به اثر سعی و تلاش خود مردم بلوچ و در هماهنگی با بزرگان کشور از بلوچستان پاکستان استادان زبان بلوچی استخدام شده بودند و در آن‌جا تدریس می‌کردند، اما سیاست‌های حکومت و تبعیض سبب غیرفعال شدن پوهنزی ادبیات بلوچی در قندهار شد که از چهار سال به این‌سو همچنان غیرفعال است.»

زبان بلوچی



بازداشت دو نظامی ارشد حکومت پیشین؛

جرم فرید آقاسید خیل و پرویز سید خیل چیست؟

طالبان پس از بازگشت به قدرت در ۲۴ اسد ۱۴۰۰ خورشیدی عفو عمومی اعلام کردند. این گروه به کارمندان دولت پیشین به شمول افراد نظامی و ملکی اطمینان دادند که از سوی طالبان مورد پی‌گرد قرار نخواهند گرفت. اما در کمتر از دو سال گذشته، طالبان صدها نظامی و غیرنظامی حکومت پیشین را بازداشت و شکنجه کرده و در مواردی به شیوه‌های مختلف کشته‌اند.



۸صبح، پروان

اظهارات منابع، همسر و دو دختر ۵ تا ۷ ساله‌اش به دلیل زندانی شدن سیدخیلی، در بستر بیماری به سر می‌برند. این نظامی پیشین مدت ۱۷ سال در سمت‌های مختلف دولتی در حکومت‌های پیشین کار کرده است.

بربنیاد یافته‌های روزنامه ۸صبح، فرمانده پرویز سیدخیلی، فرمانده کاندک لوی ۲۱۷ پامیر، در ماه‌های نخست تسلط طالبان بر کشور نیز از سوی این گروه بازداشت و برای مدت پنج ماه زندانی شده بود. یک منبع که از ذکر نامش در گزارش خودداری می‌کند، توضیح می‌دهد: «زمانی که بغلان سقوط کرد، پرویز به پنجشیر رفت و پس از آن تسلیم شد و همه تجهیزات نظامی که با خود داشت را به طالبان تسلیم کرد و خط تسلیمی هم داشت؛ اما پس از دو ماه از حاکمیت این گروه، پرویز مطمئن شد که عفو عمومی شده و دیگر می‌تواند آزادانه گشت‌وگذار کند. پس از آن پرویز سیدخیلی با دوستانش به ولایت نورستان تفریح رفتند، اما در هنگام برگشت در ساحه پل چرخ‌ی از سوی طالبان بازداشت شد و مدت پنج ماه را در بند ریاست‌های استخبارات طالبان زندانی بود.»

منبع اضافه می‌کند که طالبان پس از پنج ماه حبس، این نظامی پیشین را آزاد کردند، اما او به دلیل شکنجه زیاد به بیماری عصبی مواجه شده بود. با این‌همه، بسته‌گان این دو نظامی پیشین می‌گویند که پرویز سیدخیلی و فریدآقا سیدخیلی بدون ارتکاب هیچ جرمی از سوی افراد طالبان بازداشت شده‌اند. به گفته آنان، پرویز سیدخیلی از ماه‌ها به این‌سو مشغول خرید و فروش موتر و فرید سیدخیلی کاملاً بیکار بوده است. بسته‌گان این دو نظامی پیشین می‌افزایند که این دو تن بربنیاد عفو عمومی طالبان در کابل زنده‌گی می‌کردند. آنان از نهاد‌های حقوق بشری خواستار آزادی فوری این دو نظامی پیشین از بند طالبان هستند.

گفتنی است که طالبان پس از بازگشت به قدرت در ۲۴ اسد ۱۴۰۰ خورشیدی عفو عمومی اعلام کردند. این گروه به کارمندان دولت پیشین به شمول افراد نظامی و ملکی اطمینان دادند که از سوی طالبان مورد پی‌گرد قرار نخواهند گرفت. اما در کمتر از دو سال گذشته، طالبان صدها نظامی و غیرنظامی حکومت پیشین را بازداشت و شکنجه کرده و در مواردی به شیوه‌های مختلف کشته‌اند.

شبکه خبری «تیویارک تایمز» در حمل امسال گزارشی درباره بازداشت، شکنجه و قتل نظامیان پیشین از سوی طالبان منتشر کرد. براساس آن گزارش، با تسلط طالبان بر کشور تا آن زمان حدود ۵۰۰ نظامی پیشین در ۳۲ ولایت افغانستان، به قتل رسیده بودند. بربنیاد آن گزارش، تنها ۸۶ تن از نظامیان پیشین تا آن زمان در بغلان به قتل رسیده بوده‌اند. دفتر معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) در گزارش سالانه خود نیمه ماه اسد سال گذشته تا جوازای سال روان ۱۶۰ تن از نظامیان پیشین در افغانستان کشته شده‌اند، ۱۷۸ تن بازداشت و ۵۶ تن دیگر نیز شکنجه شده‌اند.

پیش از آن دیده‌بان حقوق بشر نیز در گزارشی آورده است که در سه ماه نخست حاکمیت طالبان بر افغانستان، بیش از ۱۰۰ تن از نظامیان حکومت پیشین از سوی این گروه کشته شده‌اند.

طالبان نه روز پیش فریدآقا سیدخیلی، فرمانده پیشین لوی ارتش در بغلان و پرویز سیدخیلی، فرمانده پیشین کاندک این لوی را از مربوطات شهر کابل بازداشت کرده‌اند. طبق گزارش‌ها، افراد طالبان بدون اطلاعیه قبلی نخست بر موتر این دو نظامی پیشین شلیک کرده و سپس آنان را بازداشت کرده‌اند. پرویز سیدخیلی در نتیجه تیراندازی جنگ‌جویان طالبان زخمی شده است. منابع می‌گویند که فرمانده پیشین کاندک لوی بغلان اکنون با دست بسته در شفاخانه ایمرجنسی کابل زیر نظارت جدی طالبان، بستری است. آن‌چنانی که بسته‌گان این دو نظامی پیشین توضیح می‌دهند، آنان بدون ارتکاب هیچ جرمی از سوی افراد طالبان بازداشت شده‌اند. بسته‌گان این نظامیان پیشین خواستار آزادی فوری آنان از سوی طالبان هستند و می‌گویند که طالبان باید به فرمان عفو عمومی رهبر خود پای‌بند باشند.

بسته‌گان این دو فرمانده ارشد ارتش حکومت پیشین در صحبت با روزنامه ۸صبح، روایت دردناکی از چگونه‌گی بازداشت آنان دارند. احمد (نام مستعار)، یکی از بسته‌گان پرویز سیدخیلی، فرمانده کاندک لوی ولایت بغلان است. او می‌گوید: «حوالی ساعت ۱۱ روز دوشنبه، ۲۳ دلو، فرید سیدخیلی، فرمانده لوی بغلان که دوست پرویز سیدخیلی بود، پشت خانه او آمده و از پرویز خواست تا پیش دوست دیگرشان به منطقه کوتل خیرخانه کابل بروند. آن‌جا رفتند، اما در مسیر بازگشت از کوتل که پایین می‌شدند، موترهای ضد تروریسم طالبان دنبال‌شان می‌کند و پیش از آن‌که این دو تن موتر را توقف دهند، طالبان به روی موتر حامل آنان که یک عراده کرولا بود، شلیک کرده‌اند.»

به گفته احمد، در پی تیراندازی طالبان بر موتر این دو نظامی حکومت پیشین، سه گلوله به پرویز سیدخیلی اصابت کرده است. او اضافه می‌کند: «پس از آن طالبان پرویز و فرید را بازداشت کردند. با وجود این‌که پرویز زخمی بود، طالبان هر دوی‌شان را در محل رویداد لتوکوب هم کردند و پرویز را پیش از این‌که به شفاخانه ببرند، به ریاست تروریسم انتقال دادند. او ساعت‌ها خون‌ریزی داشت. بعداً به شفاخانه ایمرجنسی انتقالش دادند.»

یک منبع معتبر در شفاخانه ایمرجنسی در کابل نیز به روزنامه ۸صبح تایید می‌کند که فرمانده پیشین کاندک لوی بغلان اکنون با دست بسته تحت نظارت جدی طالبان در این شفاخانه زیر درمان است. منبع می‌افزاید: «وضعیت صحتی فرمانده پرویز رو به بهبود است، اما طالبان دو محافظ را بالای سرش گذاشته‌اند و یک دستش هم در چپرکت دست‌بند شده است. طالبان حتی به مسوولان این شفاخانه هشدار داده‌اند که بستری بودن این نظامی پیشین را انکار کنند.»

بسته‌گان پرویز سیدخیلی علاوه می‌کنند که او چهار فرزند قد و نیم‌قد دارد که هر لحظه انتظار برگشت پدرشان را می‌کشند. برخی از منابع دیگر در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که در حال حاضر فرید سیدخیلی، فرمانده لوی ۲۱۷ پامیر، زیر شکنجه شدید طالبان قرار دارد. به گفته منابع، طالبان پسر جوان این نظامی پیشین را نیز که برای رهایی پدرش نزد این گروه مراجعه کرده بود، برای ۲۴ ساعت زندانی کردند. خانواده فریدآقا سیدخیلی هفت عضو دارد و بربنیاد

آشنای بانظام فدرال

چنان که در بالا وضاحت بخشیده شد، طرح و تطبیق موفقانه نظام فدرالی، به رغم امتیازات نظری و سهولت‌های عملی آن، در عمل با مقاومت‌ها، معضله‌ها و اشکال متعدد برخورد می‌کند. افراد و گروه‌هایی که قدرت و منافع سیاسی/اقتصادی خود را مدیون نظام واحد-مرکزی می‌دانند، طبیعتاً با مفکوره فدرالیسم مخالفت می‌ورزند؛ زیرا فدرالیسم این افراد و گروه‌ها را از قدرت و امتیازات غیرموجهی که در نظام واحد-مرکزی در اختیار دارند، محروم می‌سازد. کسانی که پیروی از افکار برتری نژادی و دعاوی فاشیستی را پیشه می‌کنند، نظام فدرالیستی را منفور و مردود می‌پندارند. آنانی که آرزوی خام یک‌سان‌سازی فرهنگی را در دل پرورده و فرهنگ یک قوم را بر فرهنگ سایر اقوام برتر می‌انگارند، با نظام و اصول فدرالیستی دشمن‌اند. سیاسیونی که تمامیت‌خواه، خودداری و مستبدند، نظام فدرالی را دشمن اهداف خود می‌پندارند. ماموران منفعت‌جو و چالاک و چال‌بازی که در نتیجه ترفندها و بازی‌های سیاسی مرکزی در ولایات به کار گماشته می‌شوند و در برابر مردم محل احساس مسوولیت و حساب‌دهی نمی‌کنند، فدرالیسم را دشمن منافع خود می‌یابند. آنانی که تبلی را بر پویایی و کارایی و زورگویی را بر رقابت سازنده و مذاکره و مفاهمه رچنان می‌نهند، فدرالیسم را نظامی ضعیف، علیل و پرجنجال تصور

می‌کنند. آنانی که به کیش قوم‌گرایی معتقدند و مردم‌سالاری را حقیر می‌شمارند، از فدرالیسم متنفرند. در نهایت، کسانی هم هستند که فدرالیسم را به بهانه بی‌سواد و عقب‌مانده‌گی ذهنیت‌ها و فقدان نهادها و کدرهای مسلکی در ایالات/ولایات/محلات برای ممالکی نظیر افغانستان غیرعملی و نامناسب می‌خوانند. اما باید گفته شود که همه این بهانه‌ها محض به منظور حفظ منافع قشری مدعیان آن‌ها مطرح می‌شود، و گرنه راه‌هایی وجود دارد که می‌توان با استفاده از آن‌ها چنین کمبودهای ذهنی و مسلکی ولایات و محلات را در مدتی کوتاه چاره‌جویی کرد. مشکلات دیگری که در برابر طرح و تطبیق نظام فدرالی در عمل وجود دارند، عبارت‌اند از معضله‌های تخنیکی، زمان‌بر بودن تصمیم‌گیری‌ها و محدودیت‌های اجرایی و قانون‌مداری این نظام. در نظام فدرالی هیچ مرجعی دارای صلاحیت عام‌واتم نیست. تصمیم در عرصه راهبردها و راهکارهای بزرگ در نظام فدرالی اکثراً نیاز به توافقات فدرالی-ایالتی داشته و از این رهگذر به زمان بیشتر نیاز دارند. صلاحیت هر مرجع امور در نظام فدرالی توسط صلاحیت‌های سایر مراجع امور محدود و مقید می‌شود. حدود صلاحیت‌ها در نظام فدرالی در چوکات قوانین فدرالی، ایالتی و محلی تعیین شده و تعمیم و تطبیق آن توسط نهادهای مرکزی و مردم ایالات و محلات دیده‌بانی می‌شود.



شفافیت و حساب‌دهی در تصمیم، اصول اساسی‌اند که رهبران نظام فدرالی (در مرکز و ایالات) بایستی به آن‌ها پای‌بند باشند. حل اختلاف‌نظرها درباره تقسیم صلاحیت‌ها و تطبیق موفقانه اصل محدودیت صلاحیت‌ها، به مکانیسم‌های دقیق و نهادهای موثر نظارتی و در نهایت به وجود قوه قضاییه مسلکی سالم و بی‌طرف نیاز دارد. هر چند ایجاد چنین مکانیسم‌ها و نهادها، خصوصاً در کشورهای عقب‌افتاده، با موانع و اشکال گوناگونی برخورد می‌کند، اما به هیچ صورت یک امر غیرممکن نیست. باید گفت که بسی از این موانع را می‌توان از طریق تدوین قانون اساسی جامع و دوراندیشانه، روشن ساختن ذهنیت‌های عامه، تربیت سالم کدر اداری-مسلکی، تأمین اشتراک عملی مردم در انتخابات، ایجاد نظام قضایی موثر و بی‌طرف و

اشاعه رفتار و ذهنیت فدرالی میان مردان، زنان و نسل جوان از میان برداشت. باید اذعان داشت که با وجود مخالفت‌ها، اعتراضات و تبلیغات سوء مخالفان فدرالیسم و هم‌پیمانان سیاسی/اقتصادی‌شان در ممالکی نظیر افغانستان، امروز نمی‌توان از اهمیت و صحت نوید فدرالیسم در سطح جهان منکر شد. برخی از ممالکی که در گذشته در تنگنای خفقان‌آور نظام‌های واحد-مرکزی زنده‌گی می‌کردند، امروز به اعمار و تطبیق موثر نظام فدرالی نایل شده‌اند. هند با نفوس بیشتر از ۱.۳ میلیارد نفر و دو هزار زبان توانسته است نظام فدرالی و دموکراسی مبتنی بر نمایندگی را با موفقیت در عمل پیاده کند. تجارب نظام‌های فدرالی جهان حاکی از این حقیقت است که فدرالیسم نه تنها از توانایی انطباق با اوضاع متفاوت و متغیر برخوردار است، بلکه با گذشت زمان از تجربه‌های خوب و بد خود و دیگران می‌آموزد و در مسیر رشد و بالنده‌گی به راه می‌افتد.

با وجود این، نباید فراموش کرد که اعمار موفقانه فدرالیسم در هیچ کشوری یک‌باره و به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست، بلکه نیاز به کار، ثبات قدم، تعهد و تجارب ممتد و طولانی نسل‌های متعدد دارد. فدرالیسم در حقیقت، نظام سیاسی متحجر و ساکنی نیست که در قالب متحجر و انعطاف‌ناپذیر پیاده شود. این نظام بر اصل تحرک و انعطاف‌پذیری سیاسی رهبران و شهروندان آن استوار است و همواره در حال رشد و تکامل قرار دارد. بالنده‌گی، نوآوری، نواندیشی و مصالحه نیروهایی‌اند که پروسه رشد و تکامل این نظام را به پیش می‌رانند.

ادامه دارد...

- ۱- منظور از «شرایط مناسب» در این‌جا همانا اوضاع و شرایط مطلوبی است که اندیشمندان و نخبه‌گان سیاسی جامعه، به منظور تحقق همکاری سیاسی و حفظ سلامت اجتماعی، از طریق مصالحه و اتخاذ تصمیم معقول و واقع‌بینانه خود به وجود می‌آورند. به معنای دیگر، شرایط مناسب چیزی نیست که از راه معجزه به وجود آید یا از آسمان نازل شود و یا ظهور و رشد آن نیاز به گذشت قرن‌ها داشته باشد. شرایط مناسب، ساخته و پرداخته اراده بشر است. شرایط مناسب، زمینه‌هایی را شامل است که اجتماع و رهبران آن، از طریق طرح میثاق اجتماعی کاراً ایجاد می‌کنند. طرح چنین میثاقی نیاز به معجزه و یا گذشت زمان طولانی ندارد، بلکه می‌تواند در مدت کوتاه، با استفاده از تعقل، اراده و مصالحه جمعی، طرح و تطبیق شود. وجود اراده، خیرت و صداقت سیاسی برای به وجود آوردن چنین میثاقی از اهمیت اساسی و کلیدی برخوردار است.
- ۲- این مطلب در ادبیات سیاسی/اقتصادی به نام معضله مالک-نماینده‌گی (principal-agency problem) یاد می‌شود. معضله مالک-نماینده‌گی زمانی ظهور می‌کند که صاحب ملک، صلاحیت تنظیم امور ملک‌داری خود را به شخص دیگری به‌حیث ناظم (ذوک یا ناظر) بسپارد. در عدم حضور مالک و در صورتی که مالک نتواند تصمیم و اعمال ناظم را از نزدیک نظارت کند، طبیعی است که ناظم، امور ملک‌داری را به‌نحوی پیش خواهد برد که منافع حداکثری خودش را تأمین کند. تجربه نشان داده است که در نظام دموکراسی، اکثر نماینده‌گانی که بر اساس رای مردم به قدرت دست می‌یابند، پس از رسیدن به قدرت، به تعقیب منافع و خواسته‌های شخصی و گروهی خود می‌پردازند و خواسته‌ها و منافع عمومی مردم را نادیده می‌گیرند.
- ۳- استبداد اکثریت و استبداد اقلیت هر دو می‌توانند هم در جوامع سنتی و هم در نظام‌های سیاسی دموکراتیک و پارلمانی ظهور نمایند؛ بدین معنا که در جامعه سنتی، ممکن است قومی که از نظر تعداد اکثریت است، با استفاده از منابع بشری و مالی خود، امر دولت‌داری را در انحصار خود درآورده و حقوق اقلیت یا اقلیت‌ها را پامال سازد؛ و در جامعه دیموکراتیک، حزبی که به اکثریت پارلمانی دست می‌یابد، می‌تواند به تنهایی حکم راند و منافع و حقوق اقلیت‌ها را نادیده بگیرد. در سوی دیگر، استبداد اقلیت اشاره به حالتی می‌کند که در آن یکی از گروه‌ها و احزاب اقلیتی که دارای وحدت و سازمان‌دهی بهتر است، خود را در یک ائتلاف به‌حیث عنصر «سلطنت یا تاج‌بخش» قرار داده و در این مقام، خواسته‌های خود را بر اکثریت پارلمانی تحمیل می‌کند. فدرالیسم، از طریق تقسیم قدرت بین سطوح مختلف حکومت‌داری (مرکزی، ایالتی و محلی) احتمال ظهور هر دو نوع استبداد را از بین می‌برد و یا به حداقل کاهش می‌دهد.

شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا نشستی را در مورد افغانستان برگزار می‌کند



۸صبح، کابل: اتحادیه اروپا اعلام کرده است که شورای روابط خارجی این اتحادیه نشستی را در محوریت افغانستان، اوکراین و ایران برگزار خواهد کرد. شورای اتحادیه اروپا روز دوشنبه، ۱ حوت، از

تصمیم برای برگزاری این نشست خبر داده است. این شورا افزوده که قرار است این نشست به ریاست جوزپ بورل، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ساعت ۹:۳۰ به وقت اروپا برگزار

شود. در این نشست با آمنه محمد، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد و رییس گروه توسعه پایدار سازمان ملل متحد، به‌گونه آنلاین صحبت خواهد شد. پیش از این افغانستان و امنیت منطقه و محدودیت‌های زنان در افغانستان زیر کنترل طالبان در نشست امنیتی مونیخ نیز محور گفت‌وگو و زبران خارجه کشورهای جهان بود.

اشتراک‌کننده‌گان در نشست امنیتی مونیخ گفتند که طالبان ظرفیت مبارزه با تروریسم را ندارد.

گفتنی است که در نشست شورای روابط خارجی اروپا، با دیمیتری کولبا، وزیر امور خارجه اوکراین نیز گفت‌وگو خواهد شد.

سناتوران پاکستانی خواستار اقدام برای رفع محدودیت‌های تحصیل دختران در افغانستان شدند

۸صبح، کابل: شماری از سناتوران پاکستانی از مجلس اعلاى پارلمان این کشور خواسته‌اند تا اقداماتی را برای رفع موانع تحصیل دختران در افغانستان که باعث تأثیر منفی ایدیولوژیک در مناطق مرزی پاکستان و افغانستان می‌شود، تضمین کنند.

پاکستان تودی روز دوشنبه، ۱ حوت، با نشر گزارشی نوشته است که روبینا خالد، از نماینده‌گان حزب مردم پاکستان، در نشست امروز این مجلس تأکید کرده است که محدودیت‌های تحصیل دختران در افغانستان تأثیرات ایدیولوژیک منفی در منطقه مرزی کشور ایجاد می‌کند. او تصریح کرده که مجلس باید این موضوع



را به کمیته ارجاع دهد تا راه‌حلی برای رسیدگی به این موضوع در اولویت قرار داده شود؛ زیرا به گفته او، آموزش دختران پیش‌نیاز ملت‌سازی است. از جانبی، مشتاق‌احمد، نماینده جماعت اسلامی پاکستان نیز گفته که موضوع تحصیل

دختران در افغانستان ضروری است. این در حالی است که پیش از این منیر اکرم، نماینده دایمی پاکستان در سازمان ملل متحد، منع آموزش زنان را متأثر از فرهنگ پشتون‌ها دانسته بود. پس از آن، او در مورد گفته‌هایش توضیحات داده و افزود: «از اظهاراتم متأسفم که اشتباه فهمیده شده یا احساسات کسی را جریحه‌دار کرده است. هیچ بی‌احترامی به فرهنگ پشتون‌ها که بسیار مترقی و سزاوار احترام کامل در سراسر جهان است، وجود نداشت.» گفتنی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، این گروه آموزش و تحصیل دختران را منع کرده است.

درگیری میان طالبان و نظامیان پاکستانی در گذرگاه تورخم

۸صبح، ننگرهار: منابع محلی در گذرگاه تورخم از درگیری میان طالبان و نظامیان پاکستانی خبر می‌دهند. یک منبع معتبر محلی به شرط افشا نشدن نامش به روزنامه ۸صبح می‌گوید که این درگیری ساعت ۷:۰۰ صبح روز دوشنبه، ۱ حوت، رخ داده است. به گفته منبع، درگیری مسلحانه میان دو طرف پس از نزدیک شدن جنگ‌جویان طالبان به یکی از پاسگاه‌های نظامیان پاکستانی آغاز شده است. منبع می‌گوید که دو طرف درگیر با سلاح‌های سبک و سنگین همدیگر را هدف قرار داده‌اند. در مورد تلفات و خسارات برجای مانده از این درگیری هنوز چیزی گفته نشده است. طالبان در گذرگاه تورخم نیز تا کنون در این مورد ابراز نظری نکرده‌اند.

درگیری میان طالبان و نظامیان پاکستانی در حالی رخ داده است که شام روز گذشته گذرگاه تورخم از سوی طالبان به‌روی ترافیک بسته شد.



چرخ فلک و سرگردانی‌های خیام

خیام در یکی از رباعی‌هایش به تشریح جهان و جایگاه خورشید در آن پرداخته است. این رباعی خود گونه‌ای از یک مدل کیهانی است. این رباعی بسیار بحث‌برانگیز است. خیام این‌جا خورشید را چنان چراغی در مرکز جهان قرار داده که بیان همان مدل خورشید مرکزی است.

خود، انسان و سرنوشت او را آزاد از چنبره تاثیرگذاری‌های فلک می‌داند. فلک و اجرام آسمانی تاثیری بر زنده‌گی و سرنوشت انسان ندارند. حکیم ناصر خسرو از ما می‌خواهد زمانی که به بدبختی و سیه‌روزی گرفتار می‌آییم و با بیچاره‌گی روبه‌رو می‌شویم، نباید با خیره‌سری زبان به سرزنش فلک گشاییم؛ برای آن‌که این اجرام آسمانی جز گردیدن در مدارهای خود و به دور خورشید، دیگر کاری ندارند و خود بیچاره و سرگردان‌اند.

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را
برون کن ز سر باد خیره‌سری را
بری دان ز افعال چرخ برین را
نشاید ز دانا نکوهش بری را
تو خود چون کنی اختر خویش را بد
مدار از فلک چشم نیک‌اختری را
(دیوان، ناصر خسرو، انتشارات نگاه، ۱۳۸۶، ص ۶۲)

در گذشته‌ها مردم باور داشتند که نیک‌بختی و خوش‌بختی هر انسانی وابسته به چگونگی ستاره او در آسمان‌ها است. به باور آن‌ها، کسانی که ستاره نیک داشته باشند، زنده‌گی در شادکامی دارند و آنانی که ستاره نحس داشته باشند، زنده‌گی‌شان پیوسته در رنج، عذاب، تنگ‌دستی و بدبختی می‌گذرد. چنین کسانی همه رویدادهای زنده‌گی خود را و هر گونه بدبختی و سیه‌روزی را که بر آنان می‌آید، به تقدیر نوشته‌شده خود حواله می‌کنند و تلاش نمی‌کنند تا دام‌ها و بندهای بدبختی را از هم بدرند.

کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت
یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم

حافظ در این بیت اشاره به همین موضوع دارد. از روز و روزگار خود شکایت دارد و آن را به کوکب بخت خود پیوند می‌زند. مردم در باورهای عامیانه خود حتا مرگ انسان را به ستاره او در آسمان وابسته می‌دانند. زمانی که ستاره کسی در آسمان کنده می‌شود، آن کس می‌میرد. به زبان دیگر، وقتی کسی می‌میرد، ستاره او نیز از آسمان می‌افتد. وقتی چگونگی سرنوشت انسان به ستاره‌گان و آسمان‌ها پیوند می‌خورد، بدین‌گونه انسان از خود اختیاری ندارد و در چنبره جبر قرار می‌گیرد.

در آن شمار رباعی‌هایی که خیام به بیان سرنوشت انسان نسبت به فلک پرداخته است، با سه گونه دیدگاه ناهمگون روبه‌رو می‌شویم. بخش نخست رباعی‌هایی‌اند که خیام انسان را آزاد از چرخ فلک و گردش آن می‌داند. چرخ فلک خود در بند گردش همیشه‌گی خود است و حتا نمی‌تواند خود را از این بند رها سازد. در بخش دوم این نوشته به این موضوع می‌پردازیم.

«رباعیات حکیم عمر خیام» (انگلیسی - فارسی) با مقدمه محمدعلی فروغی، چاپ ۱۳۸۹، انتشارات زوار، مصرع سوم این رباعی این‌گونه آمده است: خورشید چراغ‌دان و عالم فانوس». به‌گونه واژه‌های ترکیبی چون: «نمکدان»، «آتشدان»، «آبدان»، «گلدان» آمده است که هر کدام اسم ظرف است. در شیوه پیوسته‌نویسی، پسوندها را با واژه اصلی پیوست می‌نویسند. این پیوست‌نویسی در این مصرع، مفهوم مصرع و در کلیت مفهوم رباعی را تغییر داده است. «چراغدان» که بنویسیم، این واژه اسم ظرف می‌شود. خیام به چنین چیزی اشاره ندارد.

این رباعی در «ترانه‌های خیام» به شماره ۱۰۵ با تغییری در قافیه مصرع چهارم این‌گونه آمده است:

این چرخ فلک که ما در او حیرانیم
فانوس خیال از او مثالی دانیم
خورشید چراغ‌دان و عالم فانوس
ما چون صوریم کاندرو او گردانیم

«دان» پسوند «چراغ» نیست که بر بنیاد پیوسته‌نویسی آن را با واژه «چراغ» یک‌جا بنویسیم، بلکه واژه جداگانه است. «دان» این‌جا فعل امر از دانستن است؛ یعنی خورشید را مانند چراغ بدان یا به مانند چراغی تصور کن که این چراغ در مرکز جهان قرار دارد. همان‌گونه که شعله در مرکز فانوس روشن می‌شود، خورشید نیز با گرما و روشنائی خود در مرکز جهان جای دارد.

در ترانه‌های خیام واژه «دان» جدا از واژه «چراغ» نوشته شده است که درست همین است.

وقتی برای تشریح جهان، خورشید در مرکز جهان قرار داده می‌شود، این خود بیان همان اندیشه یا مدل خورشید مرکزی جهان است. همان‌گونه که گفته شد، در یونان باستان از افلاتون تا ارسطو، پیتاگورس و بطليموس، همه در مدل‌های کیهانی خود زمین را مرکز جهان دانسته‌اند، نه خورشید را. خیام در این رباعی می‌گوید: خورشید را چنان چراغی بدان! یعنی او خورشید را به چراغی تشبیه کرده است و جهان را به فانوس. همان‌گونه که شعله فانوس در میانه فانوس قرار دارد، خیام خورشید را در میانه جهان قرار داده است.

هرچند هنوز هم در میان مردم باورهایی که آسمان و افلاک بر زنده‌گی انسان و سرنوشت انسان تاثیرگذار است وجود دارد، اما از نظر علمی پس از آن‌که دانش اخترشناسی مدرن به میدان آمد و پیوند خورشید با ستاره‌گان و سیاره‌ها بر بنیاد قوانین علمی کشف گردید، دیگر چنین باورهایی که گویا افلاک و پدیده‌های آسمانی بر زنده‌گی و سرنوشت انسان‌ها تاثیرگذارند، به یک افسانه بدل شده است و هیچ‌گونه پایه علمی ندارد.

حکیم ناصر خسرو بلخی در یکی از قصیده‌های



پرتو نادری بخش نخست

خیام در یکی از رباعی‌هایش به تشریح جهان و جایگاه خورشید در آن پرداخته است. این رباعی خود گونه‌ای از یک مدل کیهانی است. این رباعی بسیار بحث‌برانگیز است. خیام این‌جا خورشید را چنان چراغی در مرکز جهان قرار داده که بیان همان مدل خورشید مرکزی است.

این چرخ فلک که ما در او حیرانیم
فانوس خیال از او مثالی دانیم
خورشید چراغ‌دان و عالم فانوس
ما چون صوریم کاندرو حیرانیم
(رباعیات حکیم عمر خیام، انتشارات زوار، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲)

این رباعی در چاپ محمدعلی فروغی و دکتر قاسم غنی، ۱۳۷۲، به شماره ۱۲۲ نیز همین‌گونه آمده است.

خیام در این رباعی «چرخ فلک» و در کلیت جهان را که این‌همه مایه حیرانی انسان شده است، به «فانوس خیال» تشبیه می‌کند. واژه ترکیبی «فانوس خیال» شاید در نگاه نخست این پندار را در ذهن خواننده پدید آورد که «فانوس خیال» یک اضافه تشبیهی است، یعنی خیال به فانوس تشبیه شده است، در حالی که چنین نیست. «فانوس خیال» این‌جا یک اسم مرکب است، نام چیزی است. فانوس خیال نام چراغی بوده است که بر جدار شیشه آن تصویرهایی را رسامی می‌کردند. وقتی آن را روش می‌کردند، آن تصویرها روی دیوارهای خانه به‌گونه لرزان پدیدار می‌شدند. زمانی هم فانوس را این‌سو یا آن‌سو تکان می‌دادند و می‌جنبانند و این تصویرها روی دیوارهای خانه به جنبش و حرکت می‌آمدند. بدین‌گونه فانوس خیال نه‌تنها سبب روشنائی می‌شده، بلکه ابزاری برای سرگرمی نیز بوده است.

این فانوس خیال را به سبب تصویرهای گردنده‌ای که از آن بر دیوار پدیدار می‌شدند، به نام «فانوس گردان» نیز یاد کرده‌اند. در

هیاتی از کنگره امریکا با سفیر افغانستان در تاجیکستان دیدار کرد

۸ صبح، کابل: سفیر افغانستان در تاجیکستان از دیدار و گفت‌وگو با هیاتی از کنگره امریکا در این کشور خبر داده است.

ظاهر اغبر، سفیر افغانستان در دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، روز دوشنبه، ۱ حوت، با نشر توییتی از این دیدار با هیاتی از کمیته روابط خارجی مجلس نماینده‌گان امریکا خبر داده است.

به گفته اغبر، در این دیدار روی تهدید تروریسم در منطقه، اهمیت سیستم نظارتی برای کمک‌های بشردوستانه و نیاز به دولت منتخب در افغانستان گفت‌وگو کرده‌اند.

با این حال، جزئیات بیشتر از سفر و موضوعات مورد بحث دو طرف ارایه نشده است.

کنگره امریکا نیز به‌گونه رسمی از این سفر و اهداف این هیات در گفت‌وگو با سفیر افغانستان در دوشنبه چیزی نگفته است.

طالبان نیز در مورد سفر هیات امریکایی به دوشنبه اظهار نظری نکرده‌اند.

سفارت افغانستان در دوشنبه، پس از نزدیک به دو سال از تسلط طالبان تاکنون از سوی دیپلماتان حکومت پیشین اداره می‌شود و سفر هیات امریکایی و دیدار با ظاهر اغبر، از افراد هم‌سو با جبهه مقاومت ملی افغانستان، می‌تواند مهم باشد.

سفیر افغانستان در تاجیکستان از دیدار و گفت‌وگو با هیاتی از کنگره امریکا در این کشور خبر داده است.
ظاهر اغبر، سفیر افغانستان در دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، روز دوشنبه، ۱ حوت، با نشر توییتی از این دیدار با هیاتی از کمیته روابط خارجی مجلس نماینده‌گان امریکا خبر داده است.



بربنیاد گزارش‌ها، زمین لرزه‌ای با شدت ۶.۴ درجه ریشتر بار دیگر بخش‌هایی از ترکیه را لرزاند است. خبرگزاری آناتولی گزارش داده است که این زمین لرزه ساعت ۰۸:۰۴ دوشنبه شب، ۲۰ فبروری، رخ داده است. در گزارش آمده است که این زلزله در ولسوالی دقنه ولایت حتای این کشور رخ داده است. این در حالی است که در نتیجه زمین لرزه‌های اخیر در سوریه و ترکیه، بیش از ۴۶ هزار تن کشته شده‌اند. سازمان مدیریت رویدادهای طبیعی ترکیه (آفاد) اعلام کرده که این زمین لرزه‌ها در قهرمان ماراش شش هزار و ۴۰ پس لرزه داشته است.

سرازیر شدن سیلاب و رانش زمین در برازیل ۲۴ کشته و صدها آواره برج گذاشت

الجزیره روز دوشنبه، ۲۰ فبروری، گزارش داده که این رویداد طبیعی در شهر سانو سیاستیانو در ایالت سانوپائولو بیشترین تلفات و خسارت را به ساکنان محلی وارد کرده است. مقام‌های محلی گفته‌اند که سیلاب و رانش زمین در پی بارش ۲۴ ساعته رخ داده است.

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که سرازیر شدن سیلاب و رانش زمین در پی ریزش باران در برازیل تا کنون جان ۲۴ تن را گرفته و صدها تن دیگر را آواره کرده است. الجزیره روز دوشنبه، ۲۰ فبروری، گزارش داده که این رویداد طبیعی در شهر سانو سیاستیانو در ایالت سانوپائولو بیشترین تلفات و خسارت را به ساکنان محلی وارد کرده است. مقام‌های محلی گفته‌اند که سیلاب و رانش زمین در پی بارش ۲۴ ساعته رخ داده است. تارسیزیو دی فریتاس، فرماندار ایالت سانوپائولو، در پنج شهر امتداد سواحل وضعیت فوق‌العاده اعلام کرده است.



جو بایدن در سفری از پیش اعلام نشده وارد کی‌یف شد

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در سفر از پیش اعلام نشده وارد کی‌یف، پایتخت اوکراین، شده است. گاردین پس از چاشت روز دوشنبه، ۲۰ فبروری، گزارش داده که رئیس‌جمهور آمریکا پس از ورود به کی‌یف، با ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، دیدار کرده است.

سفر غیرمنتظره جو بایدن به کی‌یف در آستانه سفر برنامه‌ریزی شده او به اروپا صورت گرفته است. ورود رئیس‌جمهور آمریکا به کی‌یف در آستانه یک‌ساله‌گی تهاجم روسیه بر اوکراین صورت گرفته است؛ در اوضاعی که وزیران خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل سرگرم رایزنی برای تدارک جنگ‌افزار به کی‌یف هستند. آمریکا از متحدان و حامیان اصلی اوکراین در برابر روسیه است. کی‌یف در نزدیک به یک سال گذشته به ارزش میلیاردها دلار از واکنشگن کمک تسلیحاتی دریافت کرده است.

شرکت متاتیک آبی فیسبوک و انستگرام را می‌فروشد



شرکت متا اعلام کرده است که پس از این کاربران فیسبوک و انستگرام می‌توانند در بدل پول، نشان آبی دریافت کنند. خبرگزاری رویترز گفته که متا، این تصمیم را روز یکشنبه، ۱۹ فبروری، اعلام کرده است. براساس تصمیم مارک زاکربرگ و مدیرانش، پس از این نشان آبی روی وب ماهانه ۱۱.۹۹ دلار و در سیستم‌های اندروید و اپل ماهانه ۱۴.۹۹ دلار برای کاربران داوطلب عرضه خواهد شد.

با این حال، طرح یادشده در حال آزمایش است و این هفته در استرالیا و نیوزلند عملی می‌شود و متا قصد دارد تا به تدریج آن را در کشورهای دیگر نیز راه‌اندازی کند. مارک زاکربرگ، مدیرعامل متا، پیشتر گفته بود که قصد دارد چندین محصول جدید را که سازنده‌گان را قادر می‌سازد تا بهره‌ورتر و خلاق‌تر باشند، راه‌اندازی کند.

شرکت متا گفته که این تصمیم را برای کمک به رشد تولیدکننده‌گان محتوا اتخاذ کرده است.

کاربران فیسبوک پس از اعلام این تصمیم، متا را به دنبال‌روی از توییتر متهم کردند. پرنده آبی زیر اداره ایلان ماسک، ماه گذشته روی تیک آبی خودش ۱۱ دلار قیمت گذاشت.

ردغنی‌سازی یورانیوم بالاتر از ۶۰ درصد از سوی سازمان انرژی اتمی ایران

خبرگزاری‌های دولتی ایران به نقل از سازمان انرژی اتمی این کشور گزارش داده‌اند که ادعای غنی‌سازی یورانیوم بالاتر از ۶۰ درصد از سوی ایران درست نیست.

بهرورز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی ایران، یکشنبه شب، ۱۹ فبروری، به خبرگزاری ایرنا گفته است که سازمان بین‌المللی انرژی اتمی باید اجازه سوءاستفاده‌های سیاسی از این سازمان را ندهد.

سخنگوی سازمان انرژی اتمی ایران در واکنش به گزارش بلومبرگ مبنی بر غنی‌سازی بالای ۶۰ درصد از سوی این کشور گفته است: «مطالب نشر شده سیاه‌نمایی و تحریف حقایق است و وجود ذره یا ذرات یورانیوم بالاتر از ۶۰ درصد در فرایند غنی‌سازی به معنای غنی‌سازی بالای ۶۰ درصد نیست.»

کمالوندی افزوده است: «متأسفانه آژانس تبدیل به ابزار فشار برخی شده و این نوع عملکرد تاثیر منفی برای اعتبار و حیثیت این سازمان بین‌المللی دارد.»

به باور سخنگوی سازمان انرژی اتمی ایران، وظیفه اعضای آژانس مراقبت از جایگاه حرفه‌ای آن است. گفتنی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اخیراً در گزارشی تأیید کرده که ایران فرایند تولید یورانیوم ۶۰ درصدی را با استفاده از دو آشکار سانتیفریوژهای نسل دوم افزایش داده است.

ایرانیان معترض مقابل اتحادیه اروپا راه‌پیمایی کردند

شروع شده و مقصد آن اتحادیه اروپا در این شهر است. معترضان قرار است با تجمع در مقابل کمیسیون اروپا، خواستار قرار دادن سپاه پاسداران ایران در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا شوند. گفتنی است که این راه‌پیمایی هم‌زمان با برگزاری نشست شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا برگزار می‌شود.

بربنیاد گزارش‌ها، با گذشت پنج ماه از جان‌باختن مهسا امینی و آغاز اعتراضات در ایران، برگزاری تجمع‌های اعتراضی ایرانیان در نقاط مختلف جهان همچنان ادامه دارد. رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که ایرانیان معترض روز دوشنبه، ۲۰ فبروری، در بروکسل، پایتخت بلجیم، راه‌پیمایی اعتراضی برگزار کرده‌اند. این راه‌پیمایی از ساعت ۱۱:۰۰ به وقت محلی



حمله بر سفارت آذربایجان در ایران؛

کنعانی به علی‌اوف:

از هر گونه پیش‌داوری و تبلیغات اجتناب کنید

الهام علی‌اوف، رئیس‌جمهور آذربایجان، اخیراً در نشست امنیتی مونیخ، دولت ایران را به دست داشتن در حمله بر سفارت کشورش در تهران متهم کرده است. علی‌اوف گفته است: «سهل‌انگاری پولیس و عدم اقدام عاجل برای متوقف کردن فرد مسلح و همچنان مصاحبه تلویزیونی دولتی ایران با مهاجم بلافاصله پس از دستگیری او، نشان می‌دهد که او از سوی برخی از نهادهای رژیم ایران فرستاده شده است.» ماه گذشته در حمله مسلحانه یک مرد بر سفارت آذربایجان در تهران، یک محافظ امنیتی این سفارت کشته شد و دو تن دیگر زخم برداشتند.

یک روز پس از اظهارات الهام علی‌اوف، رئیس‌جمهور آذربایجان، در مورد دست داشتن دولت ایران در حمله بر سفارت آذربایجان در تهران، ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه ایران، گفته که بهتر است از پیش‌داوری و هر گونه تبلیغات اجتناب شود. واکنش کنعانی به گفته‌های علی‌اوف پیش از چاشت روز دوشنبه، ۲۰ فبروری، در توییتر در صفحه کاربری وزارت امور خارجه ایران در توییتر بیان شده است. کنعانی گفته است: «طرح رسانه‌ای و تفسیرهای غیرحقوقی از این حادثه، اقدامی سازنده در مسیر پی‌گیری نیست.»

